



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

« اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه علامه طباطبائی و شهید مطهری »

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی
گرایش؛ فلسفه اسلامی

نگارش؛ سید عزیز موسوی

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین عسکری سلیمانی امیری

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین حسین دیبا

آبان ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۴۴۷

تاریخ ثبت:

✓ مسؤلیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده می باشد .

✓ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ

مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است .

مَدِينَةُ

تقدیر و تشکر :

« من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق » این جانب از تمامی زحمات و تلاشهای جناب استاد حجة الاسلام
والمسلمین سلیمانی امیری و جناب حجة الاسلام و المسلمین حسین دیبا که راهنمایی و مشاوره بنده را در این
رساله برعهده داشتند بی نهایت سپاس گذارم .

تقدیم و اهدا

به مادرم زهرا سلام الله علیها حجت خدا بر امامان و شهید ولایت و فخر خدا بر

ملائک.

و به همسر و دخترم، مریم کوچولو.

مسئله اتحاد عاقل و معقول از اغمض مسائل و پردامنه ترین مباحث فلسفی است که قدمتش به زمان یونان باستان و دانشمندانی چون فروریوس و اساتیدش باز می گردد و تا کنون معرکه آرائی فلاسفه بوده است. سخن از اتحاد عاقل و معقول به تعبیری سخن از شناخت بعدی از نفس و جان آدمی و شناخت خالق در مقام فعل است که سرنوشت این ملکات و ادراکات را روشن نموده و به اثبات می رساند که هیچ فکری و ادراکی و هیچ عملی که مورد ادراک عالم قرار گرفته باشد، نیست نشده بلکه پایدار هست، چرا که جزء آدمی شده و روز محشر هم با همین جان ساخته وارد صحنه قیامت می شویم مبنای بحث بر علم است که این از ره آورد های حکمت متعالیه است که با اصول متقن در فلسفه توانست به اثبات برساند که مطلق ادراک چه ادراک در مرحله حس، وهم، و خیال همه داخل در مسئله اتحاد هستند و بر این اساس پیروان حکمت متعالیه مبنای خود را در این مسئله پایه گذاری کرده اند و مسئله دیگر معلوم بالذات است که دیگر از مباحث این مسئله است که علامه طباطبایی. شهید مطهری آنرا با علم یکی دانسته اند که تحقق وجودش جدای از ذات عالم نیست. در اتحاد سه امر مورد احتمال است که با تفصیل آن به شش امر تحلیل می یابد که دو مورد از آن محل بحث ما در اتحاد است و آن امور این است: وجود خارجی یعنی معقول بالعرض درخت مثلاً و ماهیت آن، وجود عاقل و ماهیت آن، و معقول بالذات و ماهیت آن که مقصود و محل نزاع در اتحاد عقل و عاقل و معقول و جود عاقل است با وجود معقول بالذات که وجود معقول بالذات فی نفسه عین وجود عاقل است و در این راستا مباحث مهمی مورد بررسی قرار می گیرد. علامه طباطبایی و شهید مطهری معتقدند که اولاً اتحاد در تمام مراحل ادراک حسی، وهمی و خیال صورت می گیرد و علم چه تصویری و چه تصدیقی هم محل بحث است و علم حق تعالی و علم غیر باری تعالی در این مسئله یکسان است و دیگر مسائل. این نظریه با دلایل و براهینی متقن به اثبات رسیده است از جمله براهین می توان به برهان تضایف، ماده و صورت، و جوهر و عرض اشاره کرد که علامه طباطبایی برهان آخری را با ابتکاری جالب بیان نموده است به اینکه علم شیء به شیء، حصول معلوم یا صورت ادراکی برای عالم است لذا حصول شیء نیز چیزی غیر از وجود آن نیست پس حصول معلوم برای عالم همان وجود معلوم نزد عالم است... علامه طباطبایی به براهانی که صدرا در اثبات اتحاد به نام تضایف بیان کرده است مناقشه نموده است و شهید مطهری سخت به دفاع از اشکالات وارده پرداخته است. این مسئله ثمراتی دارد که از جمله می توان به اثبات «تجسم اعمال» و «علم الهی به ما سوا در مرحله ذات» اشاره کرد.

فهرست

۱..... مقدمه

فصل اول : کلیات مفاهیم

۴..... بیان مسئله

۴..... سؤال اصلی

۴..... سؤالات فرعی

۵..... فرضیه تحقیق

۵..... پیشینه تحقیق

۶..... اهمیت و ضرورت تحقیق

۷..... روش تحقیق

۷..... موانع و محدودیت ها

۷..... زندگی علامه طباطبایی

۸..... آثار علمی علامه

۱۰..... زندگی شهید مطهری

۱۱..... آثار شهید

۱۲..... تحلیل واژه ها

۱۳..... عقل و عاقل و معقول

۱۳..... عقل در لغت

عقل در اصطلاح.....	۱۴
اتحاد و اقسام آن	۱۴
اقسام ترکیب.....	۱۵
اقسام ترکیب حقیقی.....	۱۵
صور سه گانه اتحاد در بدو نظر.....	۱۶
اقسام نه گانه اتحاد	۱۶
اقسام اتحاد حقیقی.....	۱۹
عنوان عقل و عاقل و معقول.....	۲۱
وجه نام گذاری.....	۲۱
مقصود از علم و عالم و معلوم.....	۲۲
معقول بالذات و معقول بالعرض.....	۲۴
علم حضوری و علم حصولی.....	۲۶
ویژگیهای علم حضوری	۳۰
اقسام علم حضوری	۳۱
ویژگیهای علم حصولی.....	۳۳
فصل دوم: اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه علامه طباطبایی ره ۳۱	
چیستی علم	۳۷
خلاصه و نتایج.....	۳۹
علم و وجود ظلی.....	۴۰
خلاصه و نتایج.....	۴۴
تحریر محل نزاع در اتحاد عقل و عاقل و معقول.....	۴۴
اتحاد در علم حصولی یا علم حضوری.....	۴۵

- ۵۵..... خلاصه و نتایج
- ۵۶..... اتحاد در علم تصویری یا علم تصدیقی
- ۵۷..... خلاصه و نتایج
- ۵۸..... اتحاد در معلوم بالذات یا معلوم بالعرض
- ۶۰..... خلاصه و نتایج
- ۶۱..... اتحاد با همه ی مراتب ادراک یا خصوص مرتبه ی عقل
- ۶۴..... خلاصه و نتایج
- ۶۴..... اتحاد با صورت ذهنی یا موجودات عقلی و مثالی
- ۶۶..... خلاصه و نتایج
- ۶۶..... اتحاد مفهومی یا عینی
- ۶۷..... خلاصه و نتایج
- ۶۷..... اتحاد در علم به ذات یا علم به غیر
- ۶۸..... خلاصه و نتایج
- ۶۹..... اتحاد در علم خدا یا علم انسان
- ۷۰..... خلاصه و نتایج
- ۷۱..... ادله و براهین اتحاد عاقل و معقول
- ۷۲..... برهان جوهر و عرض
- ۷۴..... برهان تضایف
- ۷۹..... برهان ماده و صورت
- ۷۹..... برهان دیگر
- ۸۰..... خلاصه و نتایج

- ثمرات اتحاد عاقل و معقول ۸۰
- فصل سوم: اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه شهید مرتضی مطهری ره
- چیستی علم و هستی آن از نگاه شهید مطهری ۸۴
- خلاصه و نتایج ۸۶
- علم و وجود ظلی ۸۷
- خلاصه و نتایج ۸۹
- تحریر محل نزاع اتحاد عقل و عاقل و معقول ۸۷
- اتحاد در علم حصولی یا علم حضوری ۹۲
- خلاصه و نتایج ۹۷
- اتحاد در علم تصویری یا علم تصدیقی ۹۸
- خلاصه و نتایج ۹۹
- اتحاد در معلوم بالذات یا معلوم بالعرض ۱۰۰
- خلاصه و نتایج ۱۰۱
- اتحاد در همه مراتب علم یا یا خصوص مرتب ی علم ۱۰۲
- خلاصه و نتایج ۱۰۳
- اتحاد مفهومی یا عینی ۱۰۴
- خلاصه و نتایج ۱۰۴
- اتحاد در علم به ذات یا علم به غیر ۱۰۶
- خلاصه و نتایج ۱۰۸
- اتحاد در علم خدا یا علم انسان ۱۰۹
- خلاصه و نتایج ۱۱۰
- ادله و براهین اتحاد عقل و عاقل و معقول ۱۱۰

۱۱۷.....	خلاصه و نتایج
۱۱۷.....	اشکالات منکرین اتحاد عاقل و معقول
۱۲۱.....	خلاصه و نتایج
فصل چهارم : مقایسه ی دو دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری	
۱۲۳.....	موارد اتفاق نظر علامه طباطبایی و شهید مطهری در مسأله اتحاد عاقل و معقول
۱۳۱.....	اختلافات دیدگاه دو حکیم در باب اتحاد عقل و عاقل و معقول
۱۳۱.....	مقدمات مسأله اتحاد عاقل و معقول شهید مطهری
۱۳۳.....	برهان تضایف و مقدمات آن
۱۳۴.....	مقدمه ی اول : اقسام صورت
۱۳۵.....	مقدمه ی دوم : صورت معقوله بالفعل وجودش فی نفسه و وجودش برای عاقل یکی است
۱۳۹.....	مقدمه ی سوم : معقولیت معقول و وجود معقول از برای عاقل مانند وجود سواد برای جسم نیست
۱۴۱.....	مقدمه ی چهارم : صورت معقوله مجرد از ماده همیشه معقول است مطلقاً
۱۴۳.....	مقدمه ی پنجم : متضایفان در قوه و فعل متکافئانند
خاتمه	
۱۴۶.....	خلاصه گیری و نتیجه گیری
۱۵۰.....	فهرست منابع

مقدمه

الحمد لله لمن علّم بالقلم، علّم الإنسان ما لم يعلم و الصلوه و السلام على
المجلى الأتم، سيد ولد آدم، المستشرق بنور عقله الكلى، عقول من تأخر و من تقدم .

يا واهب العقل لك المحامد الى جنابك انتهى المقاصد

بنام « العلم »، که کل معلوم هستی، از اوست . سیطره قهاریت « العلم » بر پیکر هستی، از
ازل شروع گشته و تا به سرمد گسترانیده شده، چرا که « العلم »، غیر را به علم خود آفریده است. «
العالم» همه اوست، که هیچ چیز و نا چیز، از حیطة معلومیت علم او خارج نیست، چرا که غیر او نیست
معلوم ، همه به اذن او علمند و تا لایزال هستی هست، هستند و مدام در علم حضوری، حاضر. عالم
حقیقی را بقدر همت احمد (ص)، وسعت اندیشه علی(ع)، پاکى زهرا (س)، صداقت حسن (ع) و
صلابت حسین(ع)، شاکرم که در بزم هستی اش هستم و در مکتب « وعلّم آدم الاسماء کلهايش، خوشه
چین .

اما بعد ،

تاریخ تفکر بشر به همراه آفرینش انسان تا فرا سوی تاریخ بشر پیش می رود. هرگاه انسانی می
زیسته، اندیشه و تعقل را بعنوان یک ویژگی جدایی ناپذیر با خود داشته، و هر جا انسانی گام نهاده تعقل
و تفکر را با خود برده است. اما می توان گفت کهن ترین مجموعه هایی که صرفاً جنبه عقلی داشته
مربوط به حکمای یونان است. با ظهور اسلام و فرا خواندنش به فراگیری علم و دانش و عقل و تعقل، پایه
ی بزرگترین تمدنها و بالنده ترین فرهنگها در جهان پی ریزی شد .

مسلمانان در سایه ی تشویقهای رسول اکرم (ص) و جانشینان معصومش، به فراگیری انواع علوم پرداختند و آنان در پی سیاستهایی بعدها به دستور امرای وقت، موارث علمی یونان، روم و ایران را به زبان عربی ترجمه کردند در این میان که علم فلسفه از آنجایی که متکفل شناخت العلم و العالم (واجب الوجود) است لذا از امهات علوم عقلیه بلکه از حیث برهان قوی ترین و از نظر غایت شریف ترین و از جنبه ی منزلت و شوکت بلندمرتبه ترین علم ها بشمار می رود. در این راستا، این دانشمندان، توانستند عناصر مفید آنها را جذب و با تحقیقات خودشان، نواقص را تکمیل نموده و به کاوش و پژوهش و اقتباس و نقد آنها پردازند.

قرنها گذشت، در این میان فیلسوفان بزرگی مانند خواجه نصیر الدین طوسی و شیخ بهایی و میرداماد، با اندیشه های تابناک خود برغنائی فلسفه ی اسلامی افزودند، تا نوبت رسید به صدرالدین شیرازی. وی با نبوغ و ابتکار خود نظام فلسفی جدیدی را ارایه نمود که در آن، با عناصر هماهنگی از فلسفه ی مشایی، اشراقی و مکاشفات عرفانی و تلفیق آنها با افکار ژرف و آراء ارزشمند خود، مکتبی را تأسیس کرد به نام «حکمت متعالیه».

در عصر حاضر نیز بسیاری از محققین عمر و همت خود را صرف تحصیل و تحقیق این فلسفه ی متعالیه کرده اند، که علامه ی کبیر و مفسر خبیر سید محمدحسین طباطبایی و شاگرد مبرزش شهید مرتضی مطهری از همین محققان هستند که در این راستا نهایت کوشش خود را در تحصیل فلسفه اسلامی و تحقق معارف الهی مبذول داشته اند و کتب قیمه و آثار نفیسه ای از خود برجای گذاشتند.

در این رساله ما در پی بررسی یکی از مهمترین مباحث فلسفی بنام **اتحاد عاقل و معقول** از دیدگاه آن دو حکیم هستیم که صدرالمتالهین در مقام بیان اهمیت مسئله ی اتحاد عقل و عاقل و معقول می گوید: «این بحث در عین پیچیدگی، به لحاظ جایگاه و اهمیت آن در مباحث فلسفی؛ همانند منزلت و جایگاه چشم برای دیدن اشیاء و یا هم چون ستاره ای درخشان برای روشن کردن آسمان و زمین است»^۱.

^۱ - صدرالدین شیرازی، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتالهین، تصحیح حامد ناجی اصفهانی؛ ص ۶۳

فصل اول :

کلیات و مفاهیم

در

اتحاد عاقل و معقول

بیان مسئله

در میان مباحث فلسفه ی اسلامی مشکلترین و پردامنه ترین بحث ، مسئله ی اتحاد عقل و عاقل و معقول است . چراکه از قبل از اسلام مورد نظر و محل آراء حکما بوده و تا کنون هم در محافل علمی - فلسفی ادامه دارد . چرا که این نظریه ، مسئله ای است که نه با تن ، بلکه باجان آدمی و دریافت علم و حقیقت هستی رابطه دارد.

سخن از اتحاد عقل و عاقل و معقول ، به تعبیری سخن از شناخت بُعدی از نفس و جان آدمی و شناخت خالق متعال در مقام فعل است که سرنوشت این ادراکات و ملکات را روشن نموده و به اثبات می رساند که هیچ فکری و هیچ ادراکی که مدرک عالم قرار گرفته باشد نیست نشده ، بلکه پایدار همیشه هست چراکه جزء وجود آدمی شده و روز محشر هم با همین جان ساخته وارد صحنه ی قیامت می شویم .

سؤال اصلی

پرسش اصلی این است که آیا از نظر علامه طباطبایی و شهید مطهری (ره) عقل و عاقل و معقول

باهم متحدند؟

سؤالات فرعی

۱. دیدگاه علامه و شهید مطهری (ره) درباره اتحاد عقل و عاقل و معقول به طور کلی چیست ؟

۲. آیا از نظر این دو حکیم طرف اتحاد معلوم بالذات است یا معلوم بالعرض ؟

۳. از نظر شهید مطهری (ره) و علامه در مسئله اتحاد آیا تمام مصادیق ادراک (حاس و محسوس ، خیال و متخیل ، وهم و متوهم ، علم و عالم) مورد بحث است یا خصوص مرتبه ی عقل ؟
۴. آیا علم خدا و علم انسان از نظر علامه و شهید مطهری (ره) در مسئله اتحاد ، قابل طرح و بررسی هستند ؟
۵. آیا علم حصولی و علم حضوری داخل در بحث اتحاد عقل و عاقل و معقول هست یا خیر ؟

فرضیه ی تحقیق

به طور یقین علامه طباطبایی و شهید مطهری (ره) از پیروان حکمت متعالیه هستند و در تمام یا اکثر مسائل فلسفی تابع مکتب صدرالمتالهین (ره) و نیز در مسئله ی اتحاد عقل و عاقل و معقول هم آنها قائل به مسئله اتحاد هستند .

در بسیاری از مسائل شهید مطهری (ره) با استادش علامه طباطبایی هم عقیده بودند و می توان گفت آنها فقط در مسئله ی برهان تضایف اختلاف جدی دارند که علامه برهان موسوم به تضایف را اثبات کننده ی اتحاد نمی داند . برخلاف شهید مطهری (ره) که وی مدافع برهان تضایف صدرالمتالهین (ره) شده و در چند مورد هم به اشکالات وارده به برهان تضایف پاسخ می دهد .

پیشینه

مسئله اتحاد ، مسئله ای است که بطور جدی توسط فرفریوس و اساتیدش که قبل از اسلام می زیستند مطرح گردید اما بعد ها با گذشت تطورات بر این نظریه و روبرو شدن با انکار های سرسختانه حکمای مشاء پیشه ، این موضوع به حکیم متأله و مدرس فلسفه ی مشاء و خبره ی در مکتب اشراق یعنی صدرالمتالهین (ره) رسید .

وی با در آمیختن شایسته و استادانه فلسفه ی اسلامی با قرآن و برهان و عرفان توانست مکتب متعالیه را با ابتکارات و نظرات ناب خود نظریه ها و مسائل فلسفه را تحت شعاع قرار دهد لذا در همین راستا مسئله ی اتحاد عقل و عاقل و معقول نیز هم سامان ، تکمیل و مبرهن گردید . که بعد از جناب صدرالمتالهین (ره) ، حکمای معاصر هم در آثار خود به شرح ، بسط و تقریر آن پرداخته اند .

از جمله ی آنها که رساله ی مستقل این درباره ی نوشته اند که می توان به سید میزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و حسن حسن زاده ی آملی و اخیراً هم آقای حسین دیبا بنام نگرشی نوین بر مسئله اتحاد عقل و عاقل و معقول نگاشته اند ، اشاره کرد . اما رساله ای مستقل در بیان دیدگاه شهید مطهری (ره) و علامه طباطبایی در این خصوص نوشته نشده است لذا تحقیق در نظرات علامه طباطبایی و شهید مطهری (ره) به عنوان اینکه این دو فیلسوف ناقل فلسفه از نسلی به نسلی دیگر هستند ، ضرورت می نماید که آیا مباحثی را در مسئله اضافه و یا تقریر جدید نموده اند ؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجاییکه مسئله اتحاد عقل و عاقل و معقول و بطور کلی علم و عالم و معلوم از دیر زمانی است که مطرح بوده و هست و بعد از گذشت زمان از طرح آن با پذیرش و انکار حکمای اسلامی روبرو شده است که مسئله اتحاد به دست صدرالمتالهین (ره) افتاده که با پرورش و بازور نمودن مسئله و تلفیق عرفان و برهان و قرآن ، توانست مکتب متعالیه را پی ریزی کند . علامه طباطبایی هم که یکی از حکمای مبرز زمان این عصر بشمار می ورد منتقل کننده میراث گذشتگان است و از طرفی پیرو و مروج مکتب متعالیه است وی و تلمیذش در این خصوص هم بیاناتی دارند که این رساله در پی کنکاش و بررسی آن موارد است .

مسئله ی اتحاد علم و عالم و معلوم مسئله ی مهمی است که هنوز نیاز به بررسی حکما و اندیشمندان فلسفه دارد چرا که مسئله ، هنوز با چالشهای روبرو است که با بهره وری مناسب می توان در حل بسیاری از احادیث مشکل در این خصوص استفاده کرد .

روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله ، کتابخانه ای بوده و از جهت هدف، بیشتر بنیادی و راهبردی است .

موانع و محدودیت ها

قطعاً هر تحقیقی مستلزم برخی شرایط ، زمینه ها و ابزارهایی است که با فقدان هر یک تأثیر بسزایی در کاستی و ضعف آن بجا خواهد گذاشت . لذا پر دامنه بودن و غامض بودن مسئله را می توان از مهمترین موانع و محدودیت این تحقیق نام برد .

زندگی و آثار علامه محمد حسین طباطبایی (ره)

برای بیان زندگی نامه ی علامه طباطبایی، مناسب ترین اثر نوشته ی است که به دست مبارک ایشان در معرفی خود ، نگارش یافته است. ما نیز در معرفی علامه طباطبایی از آن نیز استفاده می کنیم :

محمد حسین طباطبایی در سال ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در یک خانواده ی اصیل و عریق و پر افتخار و عظمت دیده به جهان گشود . (جد معروف خاندان طباطبایی ، مرحوم سراج الدین عبدالوهاب حسینی حسینی که در سمرقند متولد و سپس به تبریز منتقل شده است و قبل از ظهور دولت صفویه، شیخ الاسلام آذربایجان بوده است.

وی در سال ۹۲۰ که نبرد خونین میان دولت ایران و دولت عثمانی در گرفت ، وی به عنوان وساطت و خاموش کردن آتش جنگ ، راهی دربار سلطان سلیم گردید و رسالت خود را انجام داد ولی به دستور سلیم ، زندانی گردید و پس از مرگ سلطان سلیم ، به دستور فرزند او سلطان سلیمان با کمال عزت و احترام از زندان آزاد گردید «^۱»

وی ظرف هفت سال و از سال ۱۲۹۷ هجری شمسی ، سطح حوزه را به پایان می رساند و در سال ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه ی نجف می شود .

وی دروس خارج فقه و اصول را در طی شش سال و هم زمان در همین مدت دروس فلسفه ی اسلامی را از محضر استاد حسین بادکوبه ای منظومه ی سبزواری، اسفار ، و مشاعر صدرالمتهین (ره) و شفای بوعلی و کتاب اثولوجیا و تمهید ابن ترکه و اخلاق مسکویه را تلمذ نموده است.

وی برای رسیدن به عمق و اعتلای فلسفه و همچنین به منظور آشنا شدن با طرز فکر برهانی و تقویت ذوق فلسفی به سفارش اساتید خود به تعلیم ریاضیات پرداخته ، لذا به درس آقا سید ابوالقاسم خوانساری حاضر شده و یکدوره حساب و به درس آقا سید ابولقاسم خوانساری حاضر شده و یکدوره حساب استدلالی و یک دوره حساب هندسه مسطحه و فضائی و جبر استدلالی را فراگرفت. جناب علامه در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود برمی گردد و به مدت ۱۰ سال در آنجا می ماند. اما وی سپس در سال ۱۳۳۵ زادگاه خود را ترک گفته و متوجه حوزه ی قم می شود و اشتغالات علمی را به طور جدی از سر می گیرد

آثار علمی

از جمله آثاری که وی تألیف نموده است :

۱. المیزان فی تفسیر القرآن ۲۰ جلد

^۱ - یادنامه ی مفسر کبیر علامه طباطبایی ، مقاله ی جعفر سبحانی ، ص ۴۹

۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم ۵ جلد
۳. بدایة الحکمة
۴. نهایة الحکمة
۵. حاشیه بر اسفار اربعه ملاصدرا
۶. رساله ای در برهان
۷. رساله ای در مغالطه
۸. رساله ای در تحلیل
۹. رساله ای در ترکیب
۱۰. رساله ای در اعتباریات
۱۱. رساله ای در نبوتات و منامات
۱۲. رساله ای در ذات
۱۳. رساله ای در افعال
۱۴. رساله ای در وسائط
۱۵. رساله ای در انسان قبل دنیا
۱۶. رساله ای در انسان در دنیا
۱۷. رساله ای در انسان بعد دنیا
۱۸. رساله ای در ولایت
۱۹. شیعه در اسلام
۲۰. قرآن در اسلام
۲۱. کتاب سلسله انساب طباطبائیان تبریز
۲۲. حاشیه بر کفایة الأصول
۲۳. وحی یا شعور مرموز